



عبدالکریم انواری

وکیل پایه یک دادگستری

جرائم و دادرسی کیفری در انگلیس

نحوه انتخاب قضاة - وکلای دادگستری

هیئت تحریریه مجله امور بین المللی مصاحبه ای با لردویگری (لرد قاضی القضاة) انگلیس بعمل آورده است که چون متضمن مطالب جالبی از نظر آئین دادرسی کیفری در انگلستان و تفاوت های آن با نحوه دادرسی کیفری در امریکا و همچنین نحوه جمع آوری دلایل اتهام و طرز انتخاب قضاة و طبقات وکلاء میباشد ترجمه و با اضافه کردن توضیحات لازم برای آشنائی بیشتر همکاران محترم به نحوه دادرسی در حقوق کامان لا بچاپ میرسد.

- س - آقای لردویگری آیا جرائم در انگلیس نیز مانند امریکا روزافزون است؟
- ج - بله من فکر میکنم این يك مسئله جهانی است. ما از پایان جنگ جهانی دوم مواجه با افزایش تعداد جرائم بوده ایم ولی بنظر میرسد در حال حاضر شدت افزایش خود را در انگلستان از دست داده است. بعضی از انواع جرائم در دو سال اخیر کم شده ولی جرائم جوانان متأسفانه روبافزونی است.
- س - در امریکا جرائم بزرگ در ده سال اخیر ۱۲۴٪ افزایش یافته. تناسب افزایش جرائم در انگلیس با این نسبت چیست؟
- ج - با توجه به آماری که مورد مطالعه قرار داده ام میتوانم بگویم نسبت افزایش جرائم در انگلیس در ده سال اخیر ۵۰٪ بوده است. این رقم ممکن است کاملاً دقیق نباشد ولی نزدیک به واقعیت است.

س - آیا بین سیستم دادرسی کیفری در انگلیس و سیستم دادرسی کیفری در امریکا تفاوت‌های مشخصی وجود دارد؟

ج - بطور کلی مطلب قابل انتقادی در سیستم دادرسی کیفری امریکا نمی‌بینم ولی باید بگویم ماشین دادرسی ما در انگلیس روان‌تر است. ما کار را زودتر و شاید راحت‌تر با تمام میرسانیم.

سیستم دادرسی ما بر ضرورت تعیین تکلیف فوری پرونده‌های جزائی بنا نهاده شده است. ما تأخیر در تعیین تکلیف متهم را بمثابة دشمن بزرگی بحال جامعه تلقی کرده و تمام هم خود را متوجه این کرده‌ایم که فوری به پرونده رسیدگی کنیم زیرا اگر تکلیف پرونده زودتر روشن شود مسائلی از قبیل آزادی یا زندانی شدن متهم و همچنین شایعات و انتشارات مربوط به موضوع و مسائلی از این قبیل در دسر کمتری خواهد داشت. در سه سال گذشته در سیستم دادرسی کیفری ما از صدر تا ذیل تجدید نظرهایی بعمل آمده است که آنرا بمراتب از سیستم قدیمی بهتر کرده است بنحویکه فکر میکنم در هیچ زمان سیستم دادرسی کیفری انگلیس باین اندازه کارآمد نبوده است. س - برای روشن شدن موضوع يك پرونده معمولی را مثل بز نیم. فاصله زمانی بین توقیف و صدور کیفرخواست و محاکمه متهم چه مدت است؟

ج - بهتر است يك پرونده مشکل را نمونه بیاورم. فی‌المثل سرقت بعنف که متهم آن فرار کرده و بعد از چند هفته دستگیر شده است. فاصله زمانی بیسن روز دستگیری و جلسه رسیدگی مقدماتی (که بوسیله قاضی غیر متخصص معمول میشود) معمولاً ۶ هفته است. ممکن است این مدت بعلت عدم آمادگی طرف (متهم و وکیل او) قدری بیشتر شود.

دومین فاصله زمانی از روز تشخیص لزوم محاکمه متهم و جلسه محاکمه میباشد که این مدت معمولاً ۸ هفته است ولی در حال حاضر این مدت کم شده و در پرونده‌های متهم بین ۱۲ هفته تا ۱۴ هفته از تاریخ دستگیری شروع میشود.

س - اگر متهم تقاضای تجدید محاکمه را بکند چه می‌شود؟

ج - اگر دلیل موجهی برای این امر موجود باشد محاکمه بتعویق خواهد افتاد. س - محاکمه چه مدت طول میکشد؟

ج - این امر کاملاً با نوع پرونده و دلائل ارتباط دارد ولی در موضوع پرونده مورد مثال فکر میکنم ۱۵ روز طول بکشد ولی البته اگر رسیدگی و بررسی دلائل اتهام مدت زمان طولانی‌تری را اقتضاء داشته باشد ممکنست در این مدت بیشتر شود. بنابراین تا اینجا ۱۴ هفته از تاریخ دستگیری متهم و محاکمه او طول کشیده است.

س - برای انتخاب هیئت منصفه چه مدت وقت لازم است؟

ج - انتخاب هیئت منصفه تقریباً در چند دقیقه انجام میشود.

س - چطور باین سرعت عمل میشود؟

ج - برای آنکه ما معمولاً مواجه با رد اعضاء هیئت منصفه نمیشویم. اعضاء

هیئت منصفه یکی یکی به جایگاه احضار میشوند و اسامی آنها اعلام میگردد و معمولاً

بدون اینکه مواجه با استیضاح یا مخالفت یا اعلام ردی از طرف متهم یا دادستان بشوند هیئت منصفه را تشکیل میدهند.

س - آیا سیستم رسیدگی و احراز صلاحیت اعضاء هیئت منصفه که در امریکا وجود دارد در انگلیس موجود نیست؟

ج - نه

س - آیا این حق وجود دارد که بدون اعلام دلیل خاصی اعضاء هیئت منصفه مورد اعلام رد واقع شوند؟

ج - قطعاً. این حق برای متهم موجود است که ۷ نفر از اعضاء هیئت منصفه را بدون هیچگونه دلیلی رد کند. همچنین متهم حق دارد با ارائه دلیل هر تعدادی از اعضاء هیئت منصفه را که بخواهد از هیئت منصفه خارج کند. دادستان نیز حق مشابهی دارد.

رد کردن يك یا دو نفر از اعضاء هیئت منصفه غیر عادی نیست و این معمولاً وقتی اتفاق میافتد که متهم شرکت خانمها یا عدم شرکت آنها در هیئت منصفه را مفید بحال خودش تشخیص دهد ولی باید گفت که این تنها موردی است که ممکن است اتفاق بیافتد و بطور کلی معمولاً نسبت به اعضاء هیئت منصفه اعلام رد نمیشود. س - پس از اینکه شخصی بآتهام ارتکاب جرم بزرگی دستگیر میشود آیا حق دارد با سپردن و وثیقه آزاد شده و نتیجتاً محاکمه را بتعویق بیاندازد؟

ج - این امر بستگی به اوضاع و احوال قضیه دارد. اگر متهم فرد خطرناکی تشخیص شود آزاد نخواهد شد. در عوض کوشش میشود محاکمه او هرچه سریعتر بانجام برسد. یکی از همکاران من معتقد است که ما در انگلیس متهمین را گیرانداخته و زودتر محاکمه شان میکنیم در حالیکه در امریکا هیچیک از این دو کار را نمیکنند. س - وقتی حکم محکومیت متهم صادر میشود حکم مجازاتش کی اجرا میشود؟ ج - همان روزی که نظر هیئت منصفه اعلام میشود. متهم حق دارد تا ۲۸ روز تقاضای فرجام کند. فرجامخواهی او در دادگاهی مرکب از سه قاضی عالیرتبه رسیدگی میشود. سی درصد وقت من و دو نفر قاضی دیگر صرف رسیدگی به فرجامخواهی میشود که معمولاً چهار ماه پس از صدور حکم محکومیت در دادگاه ما رسیدگی میشود.

س - وقتی میگوئید ما مقصودتان چیست؟

ج - قسمت جزائی دادگاه عالی. دادگاه عالی بدو شعبه تقسیم میشود. قسمت حقوقی و قسمت جزائی.

لر ددانینگ رئیس قسمت حقوقی است و من رئیس قسمت جزائی هستم.

س - آیا تا اعلام رأی دادگاه بشما متهم در توقیف باقی میماند؟

ج - بله زیرا محکوم شده است.

س - مبتنی بر چه جهاتی امکان فرجامخواهی وجود دارد؟

ج - مقام تصمیم گیرنده بر تقصیر یا بیگناهی متهم هیئت منصفه است. هیئت

منصفه اعلام کرده که این شخص مقصر است لذا مجرمیت او محرز است مگر اینکه جریان محاکمه طوری اداره شده باشد که در نظر هیئت منصفه تأثیر گذاشته باشد. بنابراین چیزی که در رسیدگی فرجامی مورد توجه است اینست که آیا در نحوه اداره دادگاه و رسیدگی بی‌ترتیبی‌هایی وجود داشته است که نتیجه آن اتخاذ چنین تصمیمی از طرف هیئت منصفه باشد یا نه.

س - بعبارت دیگر نقص در دفاع از موجبات نقض حکم نخواهد بود.

ج - کاملاً صحیح است. حتی اگر بی‌ترتیبی هم در جریان محاکمه وجود داشته باشد ولی معتقد باشیم این بی‌ترتیبی نقصی در اجرای عدالت بوجود نیاورده است طبق قانون بایستی فرجامخواهی را رد کنیم ولی در حقیقت از این قدرت قانونی زیاد استفاده نکرده ترجیح میدهم اگر بی‌ترتیبی در جریان محاکمه بوده است که احتمالاً بررای هیئت منصفه تأثیر گذاشته است حکم را نقض کنیم.

س - پس مبنای تصمیم شما اینست که فکر میکنید متهم مقصر بوده است یا نه و کاری باین ندارید که فی‌المثل پلیس بوسائل غیرقانونی از متهم اقرار گرفته است؟

ج - اولین چیزی که مورد توجه ما قرار میگیرد بی‌ترتیبی در جریان محاکمه است و اگر چنین مطلبی نباشد میگوئیم این تصمیم هیئت منصفه است ولی اگر بی‌ترتیبی در محاکمه بنظرمان برسد تصمیم میگیریم که این بی‌ترتیبی تا چه حد در تصمیم هیئت منصفه مؤثر بوده و اگر معتقد شویم واقعاً بی‌ترتیبی بنحوی بوده که در رأی هیئت منصفه اثر گذاشته نتیجتاً حکم را نقض کرده متهم را آزاد میکنیم.

س - فرض کنید متهم ادعا می‌کند پلیس او را زده و اقرار گرفته است؟

ج - باین امر در جریان محاکمه رسیدگی میشود. دادسرا میگوید جرمی ارتکاب یافته است و متهم بارتکاب آن اقرار کرده و اقرارنامه را نیز امضاء نموده است. متهم میگوید درست است ولی من فقط يك تکه کاغذ را امضاء کرده‌ام زیرا این اقرار با زجر و شکنجه و باجبار از من گرفته شده است. اگر چنین مطلبی پیش بیاید در جریان محاکمه بآن رسیدگی میشود باین ترتیب که وکیل عمومی (دادستان) در موقع بیان ادعا این مدرک را بااطلاع هیئت منصفه نرسانده دريك موقع مقتضی از محاکمه از رئیس دادگاه تقاضا میکند جلسه بدون حضور هیئت منصفه تشکیل شود و در چنین موقعیتی قاضی دادگاه شخصاً باین امر رسیدگی کرده و بدلائل متهم دائر باینکه اقرار او صحیح است یا نه توجه میکند و در صورتیکه بدون هیچگونه شك و تردیدی معتقد شود ادعای متهم دائر به شکنجه شدن او صحیح نیست اقرارنامه او را جزء مستندات قلمداد کرده و بنظر هیئت منصفه میرساند.

س - آیا جمع‌آوری دلائل بدون مجوز قانونی از طرف پلیس که کراراً در امریکا

مجوز نقض حکم قرار گرفته در انگلیس نیز مجوز نقض حکم هست یا نه؟

ج - نه در اینجا سیستم امریکا و انگلیس کاملاً متفاوت است. در سیستم شما اگر دلائل بطور غیر قانونی بدست آمده باشد نمیتواند مورد استفاده قرار گیرد و

آنها میوه درخت سمی میدانند ولی ما در انگلیس چنین روشی نداریم. اگر دلائل تحصیل شده بوسیله پلیس بطرز قانونی بدست نیامده باشد بهر حال در جای خود مورد استفاده واقع میشود ولی پلیس را نیز میتوان بسبب کار خلاف قانونش تعقیب کرد. مثالی در این مورد بزعم. اسلحه‌ای که جرم بوسیله آن ارتکاب یافته در قعر رودخانه‌ای است و پلیس با اعمال و زور بر متهم محل آنها کشف میکند. در سیستم شما هیئت منصفه اسلحه‌ای را که باین ترتیب بدست آمده باشد اصولاً مورد توجه قرار نمیدهد در حالیکه در سیستم انگلیس این اسلحه بعنوان یکی از دلائل ارتکاب جرم مورد توجه واقع میشود و پلیس نیز در صورتیکه از این بابت عمل خلافی انجام داده باشد مورد تعقیب واقع میگردد.

س - آیا دلایلی که از طریق ضبط صوت جمع‌آوری شده باشد مورد قبول سیستم شما است؟

ج - واقعیت اینست که پلیس انگلستان مجاز به ضبط صوت مردم نیست مگر اینکه باین کار مآذون شده باشد ولی اگر بدون اجازه دلائلی را بر روی نوار ارائه کند بهمان ترتیبی که در بالا گفته شد عمل میشود. تاکنون به چنین موردی برنخورده‌ام.

س - دیوانعالی کشور امریکا گاهی با برقرار کردن قواعدی در زمینه دادرسی کیفری خود را در مقام قانونگزاری قرار داده است آیا دادگاه شما اگر تشخیص بدهد که برای اجرای عدالت وجود قواعدی لازم است که مورد توجه پارلمان واقع نشده به وضع چنین قواعدی مبادرت میورزد یا نه؟

ج - بله ولی خیلی به کندی. گامان لا در انگلیس بوسیله قضات از قدیم الایام شکل گرفته و این وظیفه قضات است که آنها با احتیاجات روز سازند ولی معذک این تغییرات و یا ایجاد قواعد جدید همراه با کندی است و مثلاً برای اینکه متوجه شویم آیا دادگاه عالی انگلیس قاعده جدیدی بوجود آورده یا نه بایستی ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته را مطالعه کنیم. آنچه مسلم است دادگاه عالی انگلیس يك قاعده جدید را در يك روز بوجود نمیآورد.

س - آیا در انگلیس مانند امریکا مقررات دقیقی تدوین شده است که پلیس در کشف جرائم از آن تبعیت کند؟

ج - نه قانونی باین دقت و وضوح وجود ندارد.

س - اگر تقاضای فرجام متهمی که محکوم شده برای يك مرتبه رد شود. این پایان پرونده است یا اینکه محکوم میتواند به محکمه عالیتری توسل کند؟

ج - نه از نقطه نظر عملی میتوان گفت این پایان ماجرا است. البته ممکن است از تصمیم دادگاه من به مجلس لردان شکایت شود ولی این موضوع فقط در موقعی امکان‌پذیر است که يك امر قانونی که مرتبط به جامعه است نقض گردیده باشد.

س - در مدتی که چنین فرجامی جریان دارد متهم آزاد است یا در زندان میباشد؟

ج - او مشغول گذراندن دوران مجازاتش میباشد. در حقیقت از زمانی که توقیف شده در زندان میماند.

س - آیا در سیستم شما تعلیق مجازات یا آزادی مشروط وجود دارد؟

ج - مسلماً

س - بنابراین محکوم چقدر از مجازاتش را باید تحمل کند؟

ج - هر محکومی بشرط اینکه رفتار و اعمالش در زندان خوب باشد پس از تحمل دوسوم از مجازاتش خود بخود آزاد میشود. به غیر از این يك سیستم آزادی مشروط نیز وجود دارد و آن اینست که پس از اینکه زندانی يك سوم مجازات خود را تحمل کرد آزاد میشود ولی این احتیاج به تصمیم دادگاه دارد.

س - چه قواعدی در مورد حبس ابد حاکم است؟

ج - قواعد قطعی در این مورد وجود ندارد. وزیر کشور حق دارد در هر موقع مناسب دید يك زندانی ابد را آزاد کند و در این مورد حق بخشش پادشاهی را اعمال نماید ولی طبق قانونی که از پارلمان گذشته وزیر کشور بایستی در این مورد با من مشورت کند و وزیر کشور هر سال نظر مرا در مورد ۵۰ تا ۶۰ پرونده استفسار میکند. بیشتر محکومین به حبس ابد بعد از ۹ تا ۱۲ سال تحمل زندان آزاد میشوند.

س - جرائم کوچک در کشور شما چطور رسیدگی میشود؟

ج - این جرائم بوسیله قضات ساده رسیدگی میشود که احکامشان قابل استیناف است. قاضی ساده حقوقدان نیست. محاکم ۳ نفری یا ۵ نفری از این قضات در سرتاسر کشور تشکیل میشود و جرائم کوچک بخصوص جرائم رانندگی را رسیدگی می‌کند و میتوان گفت ۹۸ درصد پرونده‌های انگلیس بوسیله این قضات رسیدگی میشود.

س - این قضات ساده بوسیله چه کسی منصوب میشوند؟

ج - اینها بوسیله لرد چانسلور (وزیر دادگستری) منصوب میشوند.

س - آیا این قضات تمام وقت کار میکنند؟

ج - نه معمولاً هر کدام هفته‌ای يك روز یا دو هفته يك روز کار میکنند.

س - آیا در محاکماتی که با هیئت منصفه انجام میشود همانطور که در امریکا

مرسوم است اتفاق آراء هیئت منصفه برای محکوم شدن متهم را لازم دارد؟

ج - نه اگر ۱۰ نفر از ۱۲ نفر اعضاء هیئت منصفه معتقد به تقصیر متهم

باشند محکوم میشود.

س - آیا این امر تأثیری در سرعت اتخاذ تصمیم بوسیله هیئت منصفه دارد؟

ج - بطور کلی نه.

س - در انگلیس وکلاء بدو دسته باریستر و سولیستر تقسیم میشوند فرق آنها

چیست؟

ج - بهترین طریق برای توضیح این امر مقایسه آن با امور پزشکی است.

سولیستر بمثابة يك طبیب عمومی است که در دسترس فوری مراجعه‌کننده است و

پاریستر بمانند یک طیب متخصص است. اگر انجام کاری برای سولیستر مشکل باشد کار موکل را به یک پاریستر مراجعه میکند لذا موکل اول به یک سولیستر مراجعه می‌کند و اگر سولیستر ببیند کار کاملاً تخصصی است یا از عهده او برنمیاید کار او را به پاریستر محول خواهد کرد.

س - چه کسی در محاکمه شرکت می‌کند؟

ج - در محاکم بالا همیشه پاریسترها شرکت میکنند - سولیسترها مجاز به حضور در دادگاههای پائین هستند ولی نمیتوانند در محاکم عالی شرکت کنند.

س - آیا بیشتر پاریسترها وکیل محاکماتی هستند؟

ج - بله بیشتر آنها. در حال حاضر ما در انگلیس دارای ۳۰۰۰ نفر پاریستر هستیم که ۲۰۰۰ نفر آنها برای شرکت در دادگاهها تخصص دارند و هزار نفر آنها در امور دیگری مانند امور مالیاتی یا قوانین شرکتها تخصص پیدا کرده‌اند.

س - چند نفر سولیستر دارید؟

ج - بیست و دو هزار نفر.

س - فایده این مییستم چیست؟

ج - اجازه بدهید به مقایسه قبلی خود برگردیم. شما میتوانید بدفتر هر سولیستری مراجعه کرده و درد خود را بگوئید. ممکن است سولیستری که باو مراجعه میکنید هیچگاه موردی نظیر مورد گرفتاری شما را قبلاً نداشته و کوچکترین مطالعه‌ای درباره آن نداشته باشد ولی حداقل میدانند که بهترین پاریستر متخصص در موضوع گرفتاری که شما دارید چه کسی است و بنابراین موکل باین وسیله فرد کاملاً تخصصی را در اختیار خواهد گرفت.

س - آیا در حال حاضر در انگلستان مجازات اعدام وجود دارد؟

ج - نه.

س - چه موقعی مجازات اعدام از بین رفت؟

ج - ده سال قبل.

س - آیا نظر شما درباره نتایج از بین بردن اعدام چیست. آیا فکر میکنید این

موضوع باعث ازدیاد جرائم شده است یا نه؟

ج - اتفاق نظر در این باره وجود ندارد ولی من شخصاً معتقدم که مجازات

اعدام وسیله مؤثری برای جلوگیری از ارتکاب بعضی جرائم است. بگذارید مثالی

بزنم. وقتی عده‌ای تصمیم به سرقت میگیرند اول نقشه کار را می‌کشند. یکی از

فکرهائی که می‌کنند اینست که اسلحه بردارند یا نه. اگر مجازات اعدام وجود

نداشته باشد حتماً اسلحه را بر میدارند و احتمالاً فرد بیگناهی را هم خواهند کشت

زیرا مالا مجازات آنها تفاوت زیادی نخواهد داشت. در صورت قتل به حبس ابد

محکوم میشوند که بطوریکه در بالا گفتم معمولاً به ۱۲ سال زندان خاتمه مییابد ولی

اگر کسی را نکشند به مجازات سرقت محکوم میشوند که ۱۲ سال حبس است و به

۸ سال تقلیل پیدا میکند لذا می بینید که هنگامیکه موضوع استعمال اسلحه و کشتن بیگناهی مطرح میشود برای مجرم زیاد تفاوتی ندارد در حالیکه اگر مجازات اعدام باقی میبود تبهکار به غیر از این فکر میکرد.

س - آیا از وقتی مجازات اعدام لغو شده نسبت جرم قتل بالا رفته است؟
ج - بعنوان يك نتیجه گیری کلی نمیتوان به چیزی معتقد بود. سالیانه در حدود ۱۰۰ فقره قتل داریم که حداقل ۸۰ فقره آن قتلی است که پلیس آنرا قتل داخلی مینامد از قبیل قتل زن بوسیله شوهر یا قتل بوسیله معشوق که معمولاً اینگونه قتلها جنبه عصبی و عاطفی دارد و طبیعی است که نباید اینگونه قاتلین را اعدام کرد زیرا جلوی عصبانیت را نمیتوان گرفت. ولی در مورد قتل‌هایی که جنبه عاطفی نداشته و قاتل قبلاً تصمیم میگیرد مثلاً برای سرقت اسلحه هم بکار ببرد یا نه مسلماً مجازات اعدام در تصمیم او اثر دارد ولی چون آماری وجود ندارد که این دو دسته قاتل را از هم تفکیک کنیم نمیتوان گفت لغو مجازات اعدام چه تأثیری در ازدیاد جرائم کرده است. سالی که مجازات اعدام لغو شد ما ۶۵ فقره قتل داشتیم سال بعد به ۹۶ فقره افزایش یافت ولی باید گفت شاید علت این بوده که هیئت منصفه بعلت لغو مجازات اعدام راحت تر نظر به تقصیر محکومین داده است زیرا مطمئن بوده کسی اعدام نمیشود.

فقط ۱۳۰ قتل در سال

س - اینجا در واشنگتن که تعداد جمعیت آن کمتر از ۸۰۰٫۰۰۰ نفر است در سال ۱۹۷۴ تعداد ۲۹۵ فقره قتل ارتکاب یافت.

ج - ما در انگلیس که جمعیت آن ۵۳ میلیون نفر است سالیانه در حدود ۱۳۰ قتل داریم که بین ۸۰ تا ۱۰۰ فقره آنها منجر به محکومیت متهم میشود.

س - آیا قضات شما بوسیله دستگاه سیاسی منصوب میشوند؟

ج - نه در این جا لازم است برای روشن کردن موضوع توضیح مختصری داده شود قضات از بین باریسترها (وکلاء) انتخاب میشوند و شاید اینهم دلیل دیگری برای جدا بودن سولیسرها از باریسترها باشد. ما در حدود سه هزار باریستر داریم و از این عده کسانی که از هر جهت آمادگی و استحقاق قاضی شدن را داشته باشند بیش از ۳۰ یا ۴۰ نفر نیستند و همه باریسترها میدانند قاضی بعدی چه کسی است وقتی جای خالی پیدا میشود باریستری که در ردیف اول استحقاق است بوسیله لرد چانسلور منصوب میشود. لرد چانسلور برای انتصاب قاضی معمولاً با رئیس دیوانعالی کشور (که در حال حاضر من هستم) مشورت میکند. لرد چانسلور را میتوان يك مقام سیاسی که در رأس قوه قضائیه قرار دارد توصیف نمود که با عوض شدن دولت عوض میشود. او يك سیاستمدار است ولی محققاً در ۴۰ سال گذشته عوامل و ملاحظات سیاسی هیچگونه رلی در تعیین قضات بازی نکرده است.

س - آیا قضاات برای مدت معینی منصوب میشوند؟
ج - نه مادام‌العیات قاضی خواهند بود.
س - يك قاضی چطور از مقام خودش برکنار میشود؟
ج - فقط بر اثر سوء رفتار و با تصمیم هر دو مجلس (مجلس عوام و مجلس لردان) از سال ۱۷۰۰ تاکنون هیچ قاضی از کار برکنار نشده است.
س - آیا در انگلیس هم مانند امریکا سیستم چانه‌زدن در رسیدگی کیفری وجود دارد یا نه؟

بطوریکه میدانید در امریکا متهم میتواند با چانه‌زدن باتهام کوچکتری اقرار کند و دادستان از اتهام اولیه که مجازات آن سنگین‌تر است صرف‌نظر مینماید.
ج - ما میگوئیم چنین چیزی نداریم ولی این درست نیست ما هم چیزی شبیه این داریم. متهم قبل از شروع محاکمه میتواند با دادستان تماس حاصل کرده و بگوید «اگر شما قبول کنید من بارتکاب مثلا چنان جرمی اقرار خواهم کرد و اگر دادستان موافقت کند کیفرخواست بر مبنای این چانه‌زدن و توافق صادر میشود. ولی این توافق باید مورد قبول قاضی هم قرار گیرد ولی معمولا قضاات با آن موافقت نمی‌کنند.

س - دلیل اینکه دادستان در اتهام کوچکتری توافق میکند چیست؟
ج - بیشتر اوقات فکر میکند که تعقیب جرائم در عنوان بزرگتری نتیجه‌بخش نیست لذا این توافق را بعمل می‌آورد.

محدودیت روزنامه در انتشار اخبار مربوط به جرائم

س - برداشت دادگاهها از اخبار مربوط به جرائم که قبل از تشکیل محاکمه منتشر میشود چیست؟

ج - انتشار اخبار مربوط به جرائم قبل از شروع محاکمه بنحویکه تأثیر در طرز فکر هیئت منصفه بگذارد همیشه ممنوع بوده است. برای مثال سردبیر يك روزنامه که برخلاف این اصل رفتار کرده بود به‌زندان محکوم شد.
س - آیا روزنامه‌های انگلیسی نمیتوانند خبری چاپ کنند که مثلا فلان شخص باتهام دستبرد به بانک دستگیر شده است؟

ج - در مرحله اول روزنامه‌ها خواهند نوشت «مردی در باره دستبردی که به فلان بانک زده شده دارد با پلیس همکاری میکند».

س - آیا نام او را خواهند نوشت؟

ج - در این مرحله نه ولی اگر روز بعد این شخص از طرف پلیس متهم به دستبرد شود روزنامه میتواند خبر آنرا چاپ کند، ولی به هیچوجه حق ندارد در موضوع مشخصات متهم و روحیات او و اینکه جرم چگونه اتفاق افتاده است گزارشی چاپ کند.

س - آیا روزنامه میتواند خبر اقرار متهم را بارتکاب جرم منتشر کند؟

ج - انتشار چنین خبری غیرعادی است.

س - آیا پس از شروع محاکمه نیز محدودیتی برای روزنامه‌ها در انتشار

اخبار مربوط به محاکمه وجود دارد؟

ج - پس از شروع محاکمه مطبوعات آزادی کامل برای انتشار اخبار صحیح

محاکمه دارند ولی جریان محاکمه را بایستی مطابق النعل چاپ کنند و نمیتوانند به محاکمه شاخ و برگ داده و مطالبی را که در دادگاه گفته نشده چاپ کنند و این محدودیت تا پایان محاکمه ادامه دارد ولی روز بعد که حکم محکومیت متهم صادر میشود روز خوبی برای روزنامه‌نویسها است و اکثراً می‌بینید که چند صفحه از روزنامه را به شرح جزئیات مطالب و نحوه ارتکاب جرم اختصاص داده‌اند.

س - اگر خبرنگاری شخصاً دلائلی بر جرم و ارتکاب آن بدست بیاورد مانند

خبرنگاری که در پرونده واترگیت اینکار را کرد آیا میتواند اینگونه دلائل را در روزنامه‌ها منتشر کند.

ج - اگر محاکمه‌ای در جریان نباشد نه. این کار غیرعقلانه‌ای محسوب میشود.

س - آیا این بمعنای آن نیست که روزنامه‌نگاران در انگلستان نمیتوانند

جرائمی را که کشف کرده‌اند علنی کنند؟

ج - نه. هر روزنامه‌نویس و خبرنگاری میتواند افکار و نظریات خود را منتشر

سازد. موضوع اینست اگر محاکمه‌ای در کار باشد حدود آزادی روزنامه‌نگار در انتشار مسائل مربوط به محاکمه در حدی است که در بالا گفته شد. روزنامه‌نویس مانند هر فرد دیگر میتواند موضوعاتی را که میخواهد در روزنامه منتشر کند ولی طبیعی است مسئولیت‌های ناشی از انتشارات خود و احتمالاً تحت تعقیب واقع شدن بعنوان افترا را دارد.

س - مردم امریکا فکر میکنند پلیس انگلیس حق حمل اسلحه ندارد آیا این

امر تا چه حد صحیح است.

ج - این موضوع در مورد پلیس معمولی انگلستان کاملاً صحیح است ولی در

سالهای اخیر بعلت بروز مسائلی از قبیل ترورهای متعدد و مسئله ایرلند و محافظت سفارتخانه‌های عربی و اسرائیل تعدادی از افراد پلیس برای استعمال اسلحه‌های کوچک تعلیمات لازم را دیده‌اند و اسلحه حمل می‌کنند ولی البته این محدود به پلیس‌هایی است که برای امور فوق مأموریت پیدا کرده‌اند.

س - آیا در انگلیس داشتن اسلحه و استعمال آن بوسیله افراد مجاز است یا نه

و چه تعدادی از مردم اسلحه دارند؟

ج - نه من شخصاً معتقدم یکی از دلائلی که نسبت ارتکاب جرائم را در کشور

ما پائین نگهداشته اینست که مردم حق داشتن اسلحه را ندارند. داشتن اسلحه طبق قوانین انگلستان ممنوع است و اگر کسی خلاف آن رفتار کند بزندان میرود. اخیراً

پیشاهنگان انگلیس نیز از داشتن چاقو (که یکی از وسائل سنتی آنهاست) محروم شده‌اند. گرچه این امر ممکن است در بادی امر احمقانه بنظر برسد ولی نشان‌دهنده اینست که ما تا چه حد باین موضوع اهمیت می‌دهیم که افراد مسلح نباشند زیرا اگر در مواقع جنگ و مرافعه افراد با چنگک و دندان بجان یکدیگر بیفتند هیچگاه قتل واقع نمیشود و این بزرگترین عامل در جلوگیری از افزایش جرائم بزرگ در کشور ماست.

